

هرج و مرج در منطقه درگیری آذربایجان - قره باغی به نفع کیست؟

سرپیس آذربایجان/خبرگزاری آران
خبرگزاری آران / سرپیس آذربایجان : الهام علی اف رئیس جمهور آذربایجان طی چند روز اخیر اعلامیه دامن‌نویس در رابطه با امکان تغییر شکل شرکت باکو در حل درگیری قره باغ کوهستانی در صورت رد «اصول مادرید» از سوی ارمنستان کرده است. معنی این اعلامیه چیست: احیای عملیات نظامی یا تهدید بیرون آمدن از روند مذاکرات؟ صلاح الدین اله وردی اف رئیس حزب سوسیال دمکرات آذربایجان در اجلاس منطقه ای کمیته سوسیالیسم بین المللی کشورهای مشترک المنافع، قفقاز و منطقه دریای سیاه توضیح داد: «گروه مینسک سازمان همکاری و امنیت اروپا دیگر به تحلیل رفته است و اکنون باکو در آستانه انصراف از خدمات این گروه قرار دارد که می تواند بعنوان قدمی به سوی جنگ ارزیابی شود».

در ضمن این نوع تهدیدات چیز تازه ای نیست. مدت زیادی است که باکو به میانجیگران حمله های روانی می کند و آنها (گاهی بطور جداگانه روسیه، آمریکا و فرانسه و گاهی کل گروه مینسک) را در مواضع ارمنی گرا یا ناتوانی متهم می کند، گاهی هم جلب ترکیه به گروه مینسک را می طلبد. برای احیای عملیات نظامی نه تنها برتری محسوس کیفی و کمی ارتش آذربایجان نسبت به ارتش ارمنی بلکه همچنین موافقت (یا موافقت پنهان) حداقل یکی از ابرقدرتهای جهانی با این گونه توسعه تحولات نیز لازم است. گفته کارشناسان ارمنی و خارجی ارتش آذربایجان برتری لازم را ندارد. در رابطه با موافقت ابرقدرتهای جهانی با تجاوز نظامی جدید آذربایجان هم می توان گفت که پیش بینی برخورد آنها کار بسیار سختی است.

آنها فعلاً اعلام می کنند که با آغاز جنگ مخالفند اما کی می داند که منافع آنها در آینده (شاید آینده نزدیک) چه چیزی را ایجاب خواهد کرد؟ ببینید که طی چند ماه اخیر در قرقیزستان چه چیزی صورت می گیرد، بالاخره قرقیزستان به دنیا و در درجه اول به روسیه مراجعه کرده و درخواست ورود نیروها برای برقراری نظم در کشور نموده است. ما چه ضامنی داریم که هرج و مرجی بعنوان بهانه برای ورود نیروهای حافظ صلح مثلاً به منطقه درگیری آذربایجان - قره باغی هم لازم نخواهد بود؟ باز هم سؤالی وجود دارد که آیا این نیروهای روسی، روسی - ترکی (کارشناسان آذربایجانی تمایل ورود نیروهای روسی - ترکی دارند) یا نیروهای ناتو خواهد بود؟

اکنون از طریق نمایندگان رسانه های خبری و شرکتهای کارشناسی افکار عمومی در رابطه با پذیرش دکترین نظامی آذربایجان مطالعه می شود، در این دکترین ارمنستان بعنوان «تجاوزگر» ذکر می شود و حل قدرتی مسئله و همچنین استقرار پایگاه نظامی خارجی در آذربایجان احتمالی محسوب می شود. در ضمن کارشناسان آذربایجانی حتی ذکر می کنند که دکترین نظامی با قانون اساسی آذربایجان متناقض می باشد. مثلاً الکساندر محمدوف خاطرنشان می کند که در قانون اساسی آذربایجان بطور مشخص غیرقابل قبول بودن استقرار پایگاههای نظامی خارجی در خاک آذربایجان ذکر شده است و تأکید می شود که با اتخاذ تصمیم استقرار پایگاه خارجی «هر حکومت با توجه به چالشها و ریسکهای داخلی و خارجی و جهانگیری غربگرا یا روسگرای خود می تواند استقلال واقعی آذربایجان را تحت خطر جدی قرار بدهد».

کارشناسان تصمیم حفظ امکان استقرار پایگاه نظامی کشور خارجی در آذربایجان را با چند عامل ارتباط می دهند: ایستگاه رادار گابالا، دورنمای تحکیم حضور نظامی ترکیه در نخجوان و همچنین امکان استقرار نیروهای حافظ صلح خارجی در منطقه درگیری قره باغ.

عذیر جعفروف فکر می کند که «ممکن است در مناطق دور قره باغ کوهستانی نیروهای روسیه یا ترکیه مستقر شود اما با توجه به تعداد سفرهای وزیر دفاع آذربایجان به روسیه می توان گفت که به احتمال قوی این نیروهای روسی خواهد بود. همزمان جعفروف حضور نظامی ترکیه در نخجوان را بعید نمی داند.

«بعید نیست که طبق دکترین پذیرفته شده نظامیان ترک در چارچوب توافقنامه قارص در آنجا مستقر خواهد شد، این قرارداد دخالت نظامی ترکیه در صورت ایجاد خطر نظامی در این منطقه را پیش بینی می کند». در ضمن در قرارداد قارص چنین چیزی وجود ندارد. در ماده 5 قرارداد گفته می شود: «دولت ترکیه و دولتین شوروی آذربایجان و ارمنستان موافقت می کنند که استان نخجوان با مرزهای ذکر شده در ضمیمه 3 قرارداد فوق، منطقه خودگردان تحت حاکمیت آذربایجان را تشکیل می دهد».

آنتالوی زیگانکوف رئیس مرکز پیش بینیهای نظامی و تحلیل سیاسی و نظامی در مصاحبه با «وستی. آذ» شایعات مربوط به استقرار احتمالی نیروهای حافظ صلح روسی در آقدام و کلباجار و نیروهای آمریکایی در فیزولی را تفسیر نموده و خاطرنشان کرده است که استقرار نیروهای حافظ صلح روسی و آمریکایی در کنار هم در منطقه درگیری قره باغ بعید است: «استقرار نیروهای حافظ صلح روسی و ترکی در منطقه درگیری احتمال بیشتر دارد.

اما برای جامعه ارمنی حضور نیروهای حافظ صلح ترک در قره باغ کوهستانی کاملاً غیرقابل قبول می باشد. ارامنه بسیار خوب می دانند که ترکیه در درگیری همیشه از مواضع آذربایجان دفاع کرده است». آ. زیگانکوف در مصاحبه با خبرگزاری اینترفاکس گفته است که استقرار نیروهای آمریکا، اسرائیل یا ناتو در آذربایجان می تواند آذربایجان را هدف تروریستها سازد.

حل نظامی درگیری هم که طبق دکترین نظامی قابل قبول می باشد، با ماده 9 قانون اساسی جمهوری آذربایجان متناقض است، طبق ماده 9 آذربایجان جنگ را بعنوان تعرض به استقلال کشور دیگر و بعنوان شیوه حل درگیریهای بین المللی رد می کند. اما در اینجا نیز نظرات متفاوت وجود دارد. مثلاً ولادیمیر کازیمیروف رئیس مشترک سابق روسی گروه مینسک می گوید که ریاست آذربایجان یکی از اصول اساسی اروپای معاصر یعنی اصل عدم اعمال زور و تهدید زور را گستاخانه نادیده می گیرد. «این دومین اصل سند نهایی هلسینگی و یکی از اصول اساسی سازمان همکاری و امنیت اروپاست. در باکو هیچ کس جرأت نخواهد کرد که این اصل را توضیح یا تفسیر کند زیرا در این اصل هر گونه فشاری که با اعمال زور انجام می شود، غیرقابل قبول اعلام شده است. یکی از دیگر توضیحات رسمی اصل فوق این است که «زور یا تهدید زور بعنوان شوه حل درگیریها اعمال نخواهد شد. هیچ گونه ملاحظات نمی تواند برای تیره تهدید یا اعمال زور و نقض این اصل استفاده شود». نتیجه طبیعی موارد فوق الذکر یک اصل دیگر سازمان همکاری و امنیت اروپا یعنی اصل حل مسالمت آمیز درگیریها است که حتی از سوی میانجیگران حل درگیری قره باغ هم فراموش شده است».

آریل کوئن کارشناس آمریکایی «بنیاد میراث» (هریج فاوندیشن) در امور روسیه، یوراسیا و امنیت انرژی بین المللی سعی می کند برنامه های آذربایجان پیرامون آغاز تجاوز علیه قره باغ را تیره کند. بنابر گزارش رسانه های خبری آذربایجانی، کوئن فکر می کند که تفاوتهای واقعی یا خیالی قانون اساسی و دکترین نظامی آذربایجان آنقدر هم مهم نیست و «حق مقابله در برابر تجاوز در مقررات سازمان ملل متحد نیز ثبت شده است». او همزمان فکر می کند که اعمال زور در درگیری قره باغ کاملاً تیره شده است زیرا «اشغال» اراضی این حق را به باکو می دهد.

این هرج و مرج تفاوتهای انعکاس نامطابقت منافع ابرقدرتهای جهان و همچنین نامطابقتهای روابط بین المللی و سیستم حقوق بین المللی است.